

بررسی و تحلیل وجه التزامی در دستور زبان فارسی

دکتر جمشید مظاهری* - دکتر سیدمرتضی هاشمی** - سیدمهدی متولی***

چکیده

هر فعل دارای ویژگیهای زمان، شخص، وجه، نمود و جهت است. هر یک از این ویژگیها نشانه‌های صوری و معنایی مشخصی دارند که ماهیت و عملکرد آنها را تبیین می‌کند. شناسه فعل دلالت بر شخص و شمار فعل دارد و بین فعل دلالت بر کار و زمان آن. وجه فعل دلالت بر تلفی گوینده از مسلّم و نامسلّم بودن یا امری بودن و نبودن فعل می‌نماید؛ این دلالت به واسطه عواملی است که در فعل و جمله قرار دارد. بعضی از این عوامل صوری و بعضی معنایی است و در دستور زبان به عنوان نشانه‌های صوری و معنایی وجوه فعل نامیده شده‌اند. لازم به ذکر است که نشانه‌های صوری وجه فعل اندک است و همیشه از ظاهر فعل نمی‌توان وجه آن را تعیین کرد؛ لذا معنای فعل و نشانه‌های دیگری در جمله مانند همراهی کلمات وجهی^(۱) با فعل اصلی در شناخت وجه فعل کمک می‌کند (۹/ ص ۹۳).

شناخت وجه منوط به شناسایی افعال و معانی آنها و همچنین شناسایی عوامل مؤثر بر آنهاست برای نمونه افعال: «می‌روی، بروی، برو» دارای نشانه‌های صوری خاصی («می» و «به» در اول و «ی» در آخر و نداشتن شناسه) است و به

* - استادیار گروه ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان.

** - استادیار گروه ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان.

*** - عضو هیأت علمی دانشگاه کاشان.

ترتیب اخباری، التزامی و امری نامیده شده‌اند، ولی جمله «شاید آمده» در فعل «آمده» نشانه التزامی نیست، اما قید «شاید» بر آن تأثیر گذاشته و وجه آن را به التزامی تبدیل کرده است.

برای رسیدن به شناختی نسبتاً درست از وجه فعل باید عوامل صوری و معنایی آن شناخته شود و براساس آن عوامل تعریف وجه ارائه گردد. به دلیل گستردگی جنبه معنایی وجه، تعاریفی هم که بر این مبنا ارائه شده گوناگون است؛ صاحب نظران وجه را فعل، جنبه‌ای از فعل، ساختهایی از فعل، شیوه‌ای از استعمال فعل، تلقی گوینده از فعل، مناسبات گوینده نسبت به طرز اجرای فعل و... تعریف کرده‌اند. در این پژوهش، ماهیت وجه التزامی در دستور زبان فارسی بررسی می‌شود.

واژه‌های کلیدی

دستور زبان فارسی، وجه فعل، وجه التزامی، نشانه‌های وجه التزامی.

مقدمه

تحقیق در دستور زبان فارسی به صورت مستقل، سابقه زیادی ندارد و بیشتر تحقیقات در دو قرن اخیر صورت پذیرفته است، به‌ویژه از چند دهه پیش تاکنون پژوهشهای عمیقی به وسیله زبان‌شناسان ایرانی و خارجی در باب دستور زبان فارسی انجام گرفته است. میرزا حبیب اصفهانی و عبدالعظیم خان قریب از پیشگامان دستورنویسی هستند که به سبب آشنایی با زبانهای بیگانه اقدام به تدوین دستور زبان فارسی به شیوه زبانهای فرنگی کردند. آنان چنین می‌پنداشتند که قواعد و مقولات زبان، جهانی و فراگیر است و برای همه زبانها قابل اجراست. تحقیقات اخیر زبان‌شناسان نشان داد که زبانهای انسانی اگر چه در ژرف ساخت خود، شباهتهای زیادی دارند اما تفاوتهای آنها در روساخت بسیار است و مقولاتی که دستورنویسان بر عمومیت آنها اصرار ورزیدند، همه مقولات روساختی است و نمی‌توان تمام آن قواعد را در همه زبانهای دنیا به‌کار برد (۱۵/ ص ۶۲). از جمله مقولاتی که از زبانهای فرنگی به زبان فارسی راه یافت و جوه فعل است. دستورنویسان پیشین این مقوله را بدون نقد و بررسی تحت تأثیر «السنة مغرب زمین» در مورد افعال زبان فارسی اعمال کردند. پژوهشهای جدید زبان‌شناسی بعضی مطالب مبهم در زمینه جوه فعل را روشن ساخته، با این حال هنوز هم مسائل حل نشده فراوان است که باید با تلاش و همت علاقه‌مندان بدین مقولات، بررسی همه‌جانبه‌ای صورت پذیرد تا ابهامات باقی‌مانده به تدریج برطرف شود.

روش تحقیق

روش تحقیق در این مقاله توصیفی - تحلیلی و تاریخی و منابع عمده، آثار دست اول دستوری است و چون تعداد این منابع فراوان است، لذا بعضی منابع مهم که از جنبه تحقیقی بیشتری برخوردار بودند انتخاب و مورد استفاده قرار گرفت.

الف - بررسی و تحلیل وجه التزامی در دستورهای قدیم (ستی)

دستورنویسان سخنان گوناگونی دربارهٔ وجوه فعل و نشانه‌های آن بیان داشته‌اند.

در کتابهای «دستور» وجوه فعل را بین سه تا هفت نوع شمرده‌اند، ولی جملگی بر سه وجه اخباری، التزامی و امری اتفاق نظر دارند. اگر بخواهیم پیشینهٔ این بحث را در کتابهای دستور تحلیل و بررسی کنیم، باید به نخستین آثار از جمله دستور سخن و خلاصهٔ منقح آن دبستان پارسی تألیف میرزا حبیب اصفهانی بنگریم. میرزا حبیب آنچه را که امروزه به‌عنوان «وجه التزامی» مصطلح شده، به نام «وجه انشایی» می‌خواند و دربارهٔ آن می‌نویسد: «فعل» اگر به چیزی از قبیل آرزو و خواهش و پند و امید و دودلی و مانند اینها پیوندد آن را انشایی گویند:

کاشکی مستی نمودی هر حرامی چون شراب آن گهی معلوم گشتی در جهان هشیار کیست

(۴/ص ۶۲)

او به تبع همین نامگذاری در تعریف افعال هم، «مضارع التزامی» را «انشایی بسیط» می‌خواند و «ماضی التزامی» را «انشایی مرکب»^(۲). شایان ذکر است که وی مثالهای افعال انشایی بسیط: خوانم، خوانی... را بدون «ب» می‌آورد و آن را نشانهٔ تأکید و تقریر می‌شمارد (۴/ص ۷۴ و ۶۶). در حالی که اغلب دستورنویسان این پیشوند را در فعل مضارع، نشانهٔ التزامی دانسته و همراه مضارع التزامی آورده‌اند (۱۶/ص ۱۴۴؛ ۲۲/ص ۶۴؛ ۱۸/ص ۹۴ - ۹۳).

از دیگر صاحب‌نظران در دستور زبان فارسی، عبدالعظیم‌خان قریب است که دستور خود را به شیوهٔ «السنهٔ مغرب زمین» نوشته است. او برای وجه التزامی، معانی «شک و تردید و دودلی» را بیان می‌کند^(۳) (۱۳/ص ۱۱۶ - ۱۱۵) و به معانی امید و آرزو و خواهش که پیش از او میرزا حبیب در تعریف وجه آورده بود توجه نمی‌کند؛ به این ترتیب، تعریفی ناقص و محدود از وجه مذکور عرضه می‌دارد.

بعدها مؤلفان دستورزبان پنج استاد که قریب نیز از جمله آنان است، دربارهٔ وجه التزامی چنین می‌نویسند: «وجه التزامی آن است که کار را به طریق شک و دودلی و

آرزو و خواهش و مانند آن بیان کند و چون پیرو جمله دیگر است^(۴) آن را وجه «مطبعی» نیز گویند: می‌خواهم بروم، شاید بیایم...» (۷ ص ۱۴۰) نکته قابل توجه پیرو جمله دیگر بودن وجه التزامی است که خود می‌تواند یکی از نشانه‌های این وجه شمرده شود. این مطلب را نخستین بار همین مؤلفان مطرح کرده‌اند؛ اما بقیه سخنان دیگر ایشان در این باب تقریباً همانند سخنان میرزا حبیب اصفهانی است.

همان‌گونه که در مقدمه این مقاله ذکر شد مقوله وجه و بعضی مقولات و قواعد دیگر دستوری که از دستوره‌های بیگانه اقتباس شده بود، همچنان در کتابهای دستور زبان فارسی به کار می‌رفت و هنوز به این مسأله توجه نشده بود که قواعد هر زبانی مخصوص همان زبان است و از متن آن زبان باید استخراج گردد (۵ ص ۶۲).

دکتر خیامپور با دید دقیق و نسبتاً صحیح خود وجوه فعل را مورد مطالعه و بررسی قرار داد. وی به ارتباط «جهت قضایا» در منطق و «وجوه افعال» در دستور زبان توجه کرد^(۵) و بر مبنای معنی‌شناسی و به‌گونه‌ای مستدل وجوه افعال را به سه وجه احتمالی (التزامی)، اخباری و امری محدود نمود.^(۶) وی وجه احتمالی (التزامی) را وقوع یا عدم وقوع فعل با احتمال از قبیل آرزو، میل، امید، شرط و امثال آن بیان می‌کند مانند: می‌خواهد برود و اگر برود... (۶ ص ۸۴).

شایان ذکر است که دکتر خیامپور معنای «شک و تردید» را ذیل تعریف ماضی التزامی می‌آورد (۶ ص ۸۴)، این نکته ظریف و قابل تأملی است؛ زیرا شک اغلب مربوط به رخدادهای گذشته است. او شرط را که پیشینیان وجه مستقل شمرده بودند^(۷) جزو وجه التزامی به حساب می‌آورد. نظر وی در این مورد درست به نظر می‌رسد، زیرا وجه شرطی در زبان امروزی هیچ نشانه ویژه‌ای ندارد؛ به علاوه معنای خواهش را هم در این وجه بیان نمی‌کند، چون که خواهش می‌تواند جزو وجه امری قرار بگیرد (۶ ص ۸۴).

شگفت‌آور است که بعد از انتشار این کتب دستوری، آقای همایون فرخ که دستور جامع زبان فارسی را در هفت جلد می‌نویسد و یک جلد آن مختص فعل است در هیچ کجای آن جلد و حتی جلدهای دیگر، اسمی از «وجوه افعال» نمی‌برد، اما از طریقه محتمل (مشکوک، شرطیه) سخن می‌گوید و مثالهای: کنده باشم، کنده باشی... را برای آن می‌آورد، ولی به ماهیت آن اشاره نمی‌کند و با کمال تعجب استعمال آن را مربوط به مضارع و استقبال می‌داند (۲۳ ص ۴۸۲)، در صورتی که معادل ماضی التزامی

معروف است. به علاوه مطالبی هم در مورد جملاتی که با شرط، آرزو و تردید همراه است بیان می‌کند و بدانها عنوان «طریقه شرطیه» را می‌دهد^(۸) (۲۳/ ص ۴۸۸) که معادل «وجه التزامی» است. به هر حال وی، معنای وجه التزامی را در قالب و بیان دیگری ارائه می‌کند که چکیده آن عرضه گردید.

بعد از آنکه خیامپور وجوه فعل را به سه نوع اخباری، التزامی و امری منحصر دانست، محمدجواد مشکور مؤلف *دستورنامه* دوباره وجوه ششگانه فعل (اخباری، التزامی، امری، شرطی، وصفی و مصدری) را مطرح کرد (۱۵/ ص ۹۶) و سه وجه اخیر را که خیامپور با دلیل آنها را فاقد استقلال دانسته بود، (۶/ حاشیه، ص ۸۴). باز به عنوان وجوه مستقل بیان داشت. او در تعریف وجه التزامی، سخنانی مشابه سخنان *دستور زبان پنج استاد* نقل می‌کند با این تفاوت که به نشانه وجه التزامی (پیرو جمله دیگر بودن) که مؤلفان *دستور زبان پنج استاد* گفته بودند توجه و اشاره‌ای نمی‌کند و در مجموع وجه التزامی را ناقص‌تر از پیشینیان ارائه می‌کند (۱۵/ ص ۹۷).

دکتر نائل خانلری نظر تازه و دقیقی درباره وجوه افعال دارد که اهم آن را در کتاب *تاریخ زبان فارسی* بیان می‌کند. او وجه التزامی را در *دستور زبان فارسی* مسلم نبودن وقوع فعل می‌داند و معتقد است، فعلی که از وجه التزامی بیاید، همیشه به دنبال فعل دیگری قرار می‌گیرد^(۹) (۱۶/ ص ۳۰). متأسفانه نظر جالب او در *دستور زبان فارسی* وی نیامده است و سخنان وی در این باره در کتاب اخیر همان سخنان مؤلفان *دستور زبان پنج استاد* است. در *تاریخ زبان فارسی* در تعریف وجه التزامی از جمله می‌گوید: در وجه مذکور، ذهن و عواطف گوینده با جریان فعل در می‌آمیزد و گوینده در این حالت میل و آرزو، قصد، اختیار یا تردید، پیش‌بینی یا فرض، منع یا شرط یا موافقت خود را در ضمن بیان جریان فعل اظهار می‌کند^(۱۰) (۱۷/ ج ۲، ص ۳۰۶).

تا زگی نظر خانلری در باب وجه التزامی، همین موضوع آمیختگی عواطف گوینده با جریان فعل است که تا آن زمان هیچ کدام از کتابهای دستوری گذشته به آن اشاره نشده بود. علاوه بر آن موضوع گوینده (پیام‌دهنده) هم در تعریف وجوه فعل دخالت می‌یابد. در عموم دستورهای قدیم که ملاک آنها در تدوین قواعد دستوری، زبان نوشتار است، هیچ اشاره‌ای به گوینده در موارد مذکور نمی‌شود. گوینده در وجه التزامی در مقام و موقعیت یقین و اطمینان قرار ندارد و همین عدم اطمینان و دودلی در انتخاب الفاظ و حتی آهنگ کلام گوینده هم مؤثر می‌افتد. بدین جهت اغلب بعد از اصوات و شبه‌جمله‌هایی که برای تحسین، تشویق یا تحذیر به کار می‌رود، وجه التزامی می‌آید.

دکتر احمدی گیوی درباره وجه التزامی تقریباً مطالبی نظیر سخنان دکتر خانلری بیان کرده است: «وجه التزامی آن است که دلالت فعل را بر معنای آن با التزامی (همراهی) به امری چون آرزو، میل، امید، شرط، تردید و امثال آنها بیان کند. در وجه التزامی گوینده در واقع تفسیر و تعبیری همراه فعل می‌آورد (۱/ ج ۲، ص ۱۲۱۹).

دکتر فرشیدورد دیگر دست‌نویس مشهور، در کتاب *دستور امروز* که حدود سی سال پیش منتشر کرد، سه وجه اصلی اخباری، التزامی و امری برای زبان فارسی شمرده است^(۱۱) (۱۱/ ص ۱۲۰). وی در کتاب جدید خود، *دستور مفصل امروز* و جوه فعل را افزون بر شش نوع دانسته است.^(۱۲) درباره وجه التزامی که موضوع اصلی این مقاله است چنین می‌گوید: «وجه التزامی، صورت یا جنبه‌ای از فعل است که بر امری احتمالی مثل آرزو، میل، خواست، امید، شک لزوم و دعا و مانند آنها دلالت کند» (۱۲/ ص ۳۸۱).

همان‌طور که ملاحظه می‌شود ایشان در مقایسه با دست‌نویسان پیشین، معنای دعا را به وجه التزامی می‌افزاید. به علاوه وی توضیحات فراوانی درباره جوه مختلف می‌دهد که خالی از لغزش نیست و چون مجال بحث آن در این نوشته وجود ندارد، فقط به بیان این نکته بسنده می‌گردد که مبنای تقسیم‌بندی ایشان بر معنای جوه است، هر چند به مباحث ساختاری هم اشاره دارد؛ نکته مهم این است که اگر صرفاً بر معنا تکیه شود، می‌توان وجوه زیادی را نام برد، زیرا دایره معنا گسترده است. در ضمن تقسیم‌بندی‌های متعدد که دارای حد و مرز دقیق و مشخص نباشد، امر یادگیری دستور زبان را بسیار مشکل می‌گرداند.^(۱۳)

ب - بررسی و تحلیل وجه التزامی در دستورهای جدید

در کتابهای دستوری جدید که توصیف ساختاری زبان براساس معیارهای زبان‌شناسی و با توجه به ویژگیهای معنایی انجام گرفته، مباحث و تعاریف دستوری با دقت فراوان بیان شده است. در این قسمت وجه التزامی را از دیدگاه بعضی دست‌نویسان جدید مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهیم.

علی‌اشرف صادقی و غلامرضا ارژنگ، در *دستور زبان* سال چهارم متوسطه، درباره وجه التزامی نوشته‌اند: در این وجه گوینده انجام عملی را ممکن یا محتمل یا مشروط می‌داند، این وجه معانی دعا، امید، آرزو، میل، فرمان، توصیه و خواهش را بیان می‌کند (۳/ ص ۶۷). ایشان معنای توصیه خواهش و فرمان را علاوه بر وجه التزامی، برای وجه امری هم ذکر کرده‌اند (۳/ ص ۷)، بدین سبب نوعی خلط معنی بین دو وجه مذکور پیش آمده است؛ شایسته بود، برای رفع این اشکال حداقل وجه تمایزی برای جوه مذکور بیان می‌کردند. نکته مهم این تعریف آن است که نظر گوینده در رابطه با

انجام عمل مورد توجه قرار گرفته است، در صورتی که پیش از آن در بین دستورنویسان، فقط خانلری به آن توجه کرده بود (۱۷/ ج ۲، ص ۳۰۶).

وحیدیان کامیار و عمرانی در دستور زبان فارسی (۱)، سخنان دقیق و سنجیده‌ای در این باره بیان کرده‌اند و کاربرد فعل التزامی را تلقی گوینده یا نویسنده از جمله، یعنی نامسلم بودن فعل فرض کرده‌اند و کاربرد فعل التزامی را در معانی التزام تردید، آرزو، توصیه، شرط و دعا دانسته‌اند (۲۲/ ص ۵۵ - ۵۴). تداخل معانی وجوه التزامی و امری که در اکثر قریب به اتفاق دستورهای مذکور وجود داشت، در سخنان ایشان وجود ندارد. برای نمونه ایشان معنای فرمان را که بعضی جزو وجه التزامی به حساب آورده‌اند، در تعریف مزبور قرار نداده‌اند؛ زیرا فرمان اختصاص به وجه امری دارد. همان‌طور که می‌دانیم فعل دوم شخص جمع التزامی و دوم شخص جمع امری، ساختاری یکسان دارند، ایشان برای مشتبه نشدن این دو وجه همراهی عوامل التزام‌ساز را نشانه و شرط وجه التزامی شمرده‌اند، مانند: بروید (امری) و باید بروید (التزامی) (۱۴)

(۲۲/ ص ۵۶). اغلب دستورنویسان به این مطلب توجه نداشته‌اند، همچنین موضوع دخالت دادن «تلقی گوینده از فعل»، نکته مثبت دیگر در تعریف ایشان محسوب می‌شود.

دکتر مهدی مشکوة‌الدینی در کتاب دستور زبان فارسی بر پایه نظریه گشتاری وجه را عنصری دستوری در ژرف‌ساخت جمله دانسته است، این عنصر در وجه التزامی به غیرقطعی بودن مفهوم جمله از نظر گوینده اشاره می‌کند (۱۴/ ص ۶۱ - ۶۰). مشکوة‌الدینی فقط به مفهوم غیرقطعی بودن این وجه اشاره می‌کند که پایه اصلی است و مطلبی درباره معانی مختلفی که در وجه مذکور به کار می‌رود، اظهار نمی‌کند. اشاره به مفهوم «جمله» در تعریف وجه از نکات مثبت و ارزنده‌ای است که مشکوة‌الدینی و همچنین وحیدیان کامیار و همکارش به آن توجه داشته‌اند، به نظر می‌آید از این دیدگاه، مفهوم وجه با نحو (ساختار کلی جمله) گره می‌خورد و با این توصیف وجه جمله هم تعیین می‌شود.

دکتر احمد شفایی، زبان‌شناس معاصر، در کتاب مبانی علمی دستور زبان فارسی وجه التزامی را مناسبات گوینده یا نویسنده نسبت به طرز اجرای فعل می‌داند که به صورت الزام، آرزو، شک و تردید به وسیله فعل بیان می‌گردد (۹/ ص ۹۱ - ۸۸). وی مناسبات گوینده را عامل اساسی در تعیین وجوه می‌داند و مناسبات وجه التزامی را در دو مفهوم اساسی «تمایل» و «تردید» خلاصه می‌کند. او معتقد است مفهوم «تمایل» بیشتر در مضارع التزامی آشکار می‌شود، زیرا آرزوها و امیال انسانی اغلب در ارتباط با آینده است و مفهوم «تردید» بیشتر در ماضی التزامی به چشم می‌خورد، زیرا انسان

بیشتر نسبت به کارهای انجام گرفته و رخدادهای گذشته دچار شک و تردید می‌شود (۹/ ص ۹۱) این مطلب که «تردید» بیشتر در ماضی التزامی بروز می‌کند و تمایل در مضارع، در دستورهای قدیم هم مطرح شده است و خیامپور و مشکور بدان اشاره کرده‌اند (۶/ ص ۸۴، ۱۵/ ص ۸۷).

ج - بررسی تداخل وجه التزامی با افعال دیگر

یکی از مشکلات دستورهای قدیم تعاریف ناقص و ناسنجیده است، مثلاً برای وجه التزامی دو ساختار فعلی ماضی التزامی و مضارع التزامی را بیان کرده‌اند، از طرفی گفته‌اند: هر گاه وقوع یا عدم وقوع فعل، نامسلم باشد و یا عوامل التزام‌ساز، همراه جمله بیاید، وجه فعل التزامی می‌گردد، بدیهی است این دو تعریف با هم تضاد دارد، زیرا اگر افعال اخباری به همراه عوامل التزام‌ساز بیایند، بیش از آن دو صیغه معروف، افعال التزامی به وجود می‌آید.^(۱۵) در این مبحث اولاً علت پیدایش این تضاد و راه‌حل آن و ثانیاً انعکاس آن را در دستورهای قدیم بررسی و تحلیل می‌کنیم.

به نظر نگارنده ریشه این تضاد مربوط به جامع نبودن تعریف وجه التزامی در دستورهای قدیم است که برای این وجه دو صیغه مخصوص معرفی کرده‌اند. لذا صیغه‌های اخباری را که به واسطه عوامل التزام‌ساز وجه التزامی یافته‌اند در برنمی‌گیرد، مثلاً در جملات «باید می‌رفت» و «شاید رفته است» هیچ کدام از افعال، ساختار التزامی ندارند، ولی به جهت همراهی التزام‌ساز (باید و شاید) دارای وجه التزامی شده‌اند و باید آنها را جزو وجه التزامی به حساب آورد.

اکنون که علت این تضاد معلوم شد، پیشنهاد می‌شود برای حل تضاد مذکور در تعاریف وجه تجدیدنظر صورت گیرد. تعریف پیشنهادی ما این است: هر فعلی که دارای معنای احتمال است و یا به همراه عوامل التزام‌ساز می‌آید وجه التزامی شمرده شود. اما برای آگاهی از انعکاس این موضوع در دستورهای قدیم و چگونگی برخورد دستورنویسان با آن به چند کتاب دستوری اشاره می‌کنیم.

میرزا حبیب اصفهانی صاحب کتاب *دیستان پارسی* به موضوع تداخل وجوه توجه نکرده است. او می‌گوید: در وجه انشایی (التزامی) ملاحظه زمان نیست (۴/ ص ۶۴). گویا مرادش این است که در زمانهای مختلف صرف نمی‌شود.

عبدالعظیم خان قریب اولین کسی است که کاربرد وجوه افعال را به جای یکدیگر در دستور زبان خود مطرح می‌کند، ولی به تضاد و تعارض حاصل از آن نمی‌پردازد. او می‌گوید: ماضی استمراری می‌تواند برای تمنا و آرزو به کار رود و آن را

ماضی «متمنی» می‌نامد، مانند: کاش جوانی برمی‌گشت (۱۳/ ص ۱۰۶). دکتر خیامپور و دکتر مشکور هم ذیل ماضی استمراری مطالبی نظیر سخنان عبدالعظیم‌خان نقل می‌کنند (۶/ ص ۸۲؛ ۱۵/ ص ۹۶ و ۸۵).

دکتر خانلری معتقد است: «هر گاه در جمله، پیرو شرطی وجود داشته باشد، انجام یافتن فعل پایه مسلم نیست» (۱۶/ ص ۱۴۷) و جملات: «اگر رفتی...» و «اگر دیده‌ای...» را از وجه اخباری می‌داند (۱۶/ ص ۱۴۸). با توجه به این دو نظر ایشان دچار تضاد شده است، زیرا از یک سو به مسلم نبودن فعل پایه اشاره می‌کند و از سوی دیگر آن را از وجه اخباری محسوب می‌دارد. ظاهراً خانلری به تضاد موجود در این زمینه پی نبرده بود.

دکتر شریعت در این زمینه جامع‌تر از دیگران بحث کرده است. او می‌گوید: «اصولاً درباره تمام افعال باید گفته شود که اگر دارای قیدی غیرعادی شوند، معنی خود را عوض می‌کنند» (۸/ ص ۲۵۱)، مانند «اگر او آمد»، یعنی «اگر او بیاید». سخن او یک معیار دستوری است و براساس آن عوامل التزام‌ساز در حکم قید غیرعادی هستند که معنای فعل را عوض می‌کنند. وی کاربرد ماضی مطلق، ماضی استمراری، ماضی نقلی و ماضی بعید را به همراه عوامل التزام‌ساز، به‌عنوان وجه التزامی گرفته است (۸/ ص ۲۵۹، ۲۵۷ و ۲۵۳).

دکتر فرشیدورد این بحث ساده را با پیچ و تاب و آشفتگی بیشتری مطرح می‌کند. وی دو ساخت ماضی بعید و ماضی استمراری (کاش رفته بود، کاش می‌رفت) را بین دو وجه اخباری و التزامی مشترک شمرده و آنها را به‌عنوان ساختمانهای مشترک بین دو وجه اخباری و التزامی دانسته است. او در مورد ساختمانهای مختص وجوه (۱۶) می‌گوید: اگر اینها در جمله پیرو بیایند ممکن است آنها را التزامی گرفت، مانند: اگر آمد...، اگر آمده است... (۱۲/ ص ۳۹۴).

ایشان دو ساخت ماضی بعید و ماضی استمراری را مشترک بین دو وجه اخباری و التزامی دانسته است و ساختمانهای ماضی مطلق و ماضی نقلی و... را جزو ساختمانهای مختص وجوه شمرده است، در صورتی که هیچ فرقی در بین دو گروه مذکور در این مورد وجود ندارد و همان‌طور که خود گفته است، ساختمانهای مختص هم می‌توانند در جمله پیرو شرطی بیایند (۱۲/ ص ۳۹۴)، پس از این تقسیم‌بندی، زاید به نظر می‌رسد. همین مطالب را قبلاً دکتر شریعت به زبان ساده و کامل‌تر بیان کرده بود (۸/ ص ۲۵۹، ۲۵۷، ۲۵۳ و ۲۵۱).

گفتنی است که افعال ماضی ملموس، ماضی ملموس نقلی، ماضی استمراری نقلی و ماضی بعید نقلی هیچ‌گاه صورت التزامی ندارند. افعال آینده هم صورت التزامی ندارند و اگر با عوامل التزام‌ساز بیابند، تبدیل به مضارع التزامی می‌شوند (۲۱ / ص ۲۱۰).

د - نشانه‌های وجه التزامی (لفظی، معنوی و ساختمانی)

نشانه‌های وجه التزامی، در دستورهای قدیم، چندان مورد توجه واقع نشده، ولی در دستورهای جدید به‌ویژه به‌آنجایی که بر طبق نظرات زبان‌شناسی تدوین گردیده، بیشتر مورد تأکید قرار گرفته است. این نشانه‌ها به‌صورت پراکنده و با اختلافاتی اندک در بعضی کتابهای دستوری آمده است:

- ۱- پیشوند «ب» بر سر فعل مضارع،^(۱۷) مانند بروم.....
- ۲- صفت مفعولی به اضافه فعل‌های معین (باشم، باشی،...) مانند گفته باشم.
- ۳- کلمات وجهی نظیر بعضی از قیود (شاید، گویا...) و افعال وجهی نظیر بایست، باید، توان....
- ۴- «دعا» گاهی جملات دعایی با صیغه التزامی می‌آیند: خدا او را بیمارزد. همچنین «الف» در فعل‌های دعایی باد، کناد.... نشانه وجه التزامی است (۱۲ / ص ۳۸۵).
- ۵- «جمله پیرو» در اغلب موارد از وجه التزامی است.
- ۶- بعد از اصوات و شبه‌جمله‌ها، وجه التزامی می‌آید.
- ۷- بعد از گروه‌های فعلی که معنای احتمال و الزام و نظایر آن را دارند، مانند: ممکن است....، مجبور است....
- ۸- «آهنگ و بیان گفتار» نیز در جملات التزامی، اخباری و امری متفاوت است (۲۰ / ص ۲۰۰ - ۱۹۰؛ ۱۲ / ص ۳۸۷).

نتیجه‌گیری

آنچه دست‌نویسان قدیم و جدید درباره وجه التزامی گفته‌اند، مربوط به معانی آرزو، الزام، میل، امید، شرط، تردید، دعا، احتمال و نظایر آنهاست.^(۱۸) همه معانی مزبور را می‌توان تلفیق و زیرمجموعه مفهوم عدم قطعیت یا احتمال و التزام قرار داد و آن را رکن اصلی وجه التزامی محسوب داشت.

نکته دیگر آنکه اغلب دست‌نویسان قدیم مفهوم وجه را در ارتباط با فعل تعریف کرده‌اند، ولی دست‌نویسان جدید این مفهوم را با توجه به کل جمله بیان

داشته‌اند، زیرا همیشه وجه فعل مستقیماً مربوط به فعل اصلی نیست و گاهی عوامل التزام‌ساز مانند بعضی قیود (شاید، گویا) و افعال شبه معین (بایست، باید، توان...) بر فعل تأثیر می‌گذارند و باعث تغییر وجه می‌گردند. لذا تعریفی که وجه فعل را با توجه به جمله بیان می‌کند، کامل و جامع‌تر است.

همان‌طور که گفته شد در گذشته وجه فعل را در ارتباط با معنای فعل، تعیین و تعریف می‌کردند، ولی امروزه در رابطه با تلقی و برداشت گوینده از جمله تعریف می‌کنند، به همین دلیل هم گفته شده است که گوینده در وجه التزامی بی‌طرف نیست و نسبت به اجرای عمل اظهارنظر می‌کند (۹/ ص ۸۸).

در نتیجه وجه التزامی، صورت یا جنبه‌ای از فعل است که نظر گوینده (پیام‌دهنده) را نسبت به اجرا یا عدم اجرای فعل (جمله، پیام) به صورت احتمالی و غیرقطعی بیان می‌کند، به علاوه غالباً همراه کلمات وجهی و به صورت جملات وابسته (پیرو) می‌آید و در جملات مرکب جلوه می‌کند (۹/ ص ۹۸ - ۹۳).

پی‌نوشت

۱- کلماتی که بر وجه فعل بعد از خود مؤثرند، مثل افعال وجهی «توانستن»، «شایستن» و نظایر آنها (۹/ ص ۹۳).

۲- میرزا حبیب علاوه بر وجه انشایی از وجه التزامی به معنای خاص لزوم و ایجاب نام می‌برد، مانند: «رفتنی‌ام و ماندنی‌ام» همان‌طور که ملاحظه می‌شود معنایی که وی بیان می‌کند با مثالها سازگاری ندارد و چنین معنایی استنباط نمی‌شود (۴/ ص ۶۲). وی تحت تأثیر زبانهای فرنگی و جوه دیگری هم آورده است که از مقوله وجه نمی‌باشد (۴/ ص ۶۱).

۳- عبدالعظیم‌خان قریب اولین کسی است که وجوه فعل را منحصر به شش نوع: اخباری، التزامی، امری، شرطی، وصفی و مصدری دانسته است (۱۳/ ص ۱۱۵).

۴- فعل التزامی اغلب پیرو جمله دیگر است، ولی می‌تواند به صورت مستقل هم بیاید: بنویسیم، زنده‌باشی (۲/ ص ۱۴۳).

۵- البته مقایسه این دو موضوع به معنای منطبق دانستن قواعد دستوری با قواعد منطقی نمی‌باشد، ولی مشابهت‌های فراوانی در بین آنها وجود دارد.

۶- خیامپور وجه را جنبه سوم فعل می‌شمارد که بر وقوع یا لاقوع عمل به شکل اخبار یا احتمال یا امر دلالت می‌کند (۶/ ص ۸۴). او سه وجه مصدری، شرطی و وصفی را فاقد

- استقلال می‌داند و با دلایلی نسبتاً صحیح سه وجه مذکور را رد می‌کند. برای آگاهی از شیوه استدلال وی رجوع شود به *دستور زبان فارسی* (۶/ حاشیه ص ۸۴).
- ۷- میرزا حبیب اصفهانی و عبدالعظیم خان قریب، شرط را به‌عنوان وجه جداگانه و مستقل بیان کرده‌اند (۴/ ص ۶۱، ۱۳/ ص ۱۱۵).
- ۸- همایون فرخ در کتاب هفتم (نحو) در تقسیم کلام، مطالب پراکنده و فاقد هرگونه معیاری را بیان می‌کند، ولی هرگز عنوان وجه را نمی‌آورد، در حالی که بعضی از همان مطالب، معادل بعضی از وجوه فعل است (۲۳/ ص ۹۸۵ - ۹۸۳).
- ۹- همان‌طور که قبلاً (در پی‌نوشت شماره ۴) بیان شد، فعل التزامی می‌تواند به‌صورت مستقل هم بیاید. در ضمن یادآوری می‌شود که دکتر ناتل خانلری، وجوه فعل را چهار نوع: اخباری، التزامی، امری و شرطی می‌داند، ولی در بخش جملات شرطی، برای آنها در زبان فارسی امروز، صیغه خاصی قابل نشده است (۱۱۶/ ص ۱۴۷، ۳۲ - ۲۹).
- ۱۰- یادآور می‌شود که شایسته بود مطالب مذکور در *دستور زبان فارسی* ذیل وجه التزامی بیان می‌شد.
- ۱۱- تعجب‌آور این است که دکتر فرشیدورد در حاشیه کتاب مذکور نوشته است «بعضی تحت تأثیر دستورهای فرنگی، فعل‌ها را دارای شش وجه (مصدری، وصفی، شرطی، التزامی، امری و اخباری) دانسته‌اند و این امر از موارد ناپسند تقلید از دستورهای بیگانه است...» (۱۱/ ص ۱۲۰) و عین همین مطالب را در کتاب *جدید دستور مفصل امروز* در متن آورده است (۱۲/ ص ۳۹۶) و با این کار خود را به تقلید کردن از دستورهای بیگانه متهم کرده است.
- ۱۲- شش وجه فعل عبارت‌اند از: اخباری، التزامی، امری، تأکیدی، مصدری و وصفی (۱۲/ ص ۳۸۱-۳۸۰). در ضمن ایشان در تقسیم‌بندی وجوه دچار لغزشهای فراوانی شده به‌طوری که بعضی از وجوه، دارای حد و مرز مشخص نیستند، برای نمونه وجوه تأکیدی، التزامی و امری با همدیگر خلط شده‌اند. وجه التزامی یک جا جزو وجوه اصلی است (۱۲/ ص ۳۸۲) و جای دیگر جزو وجوه تابع یا پیرو است (۱۲/ ص ۳۹۷).
- ۱۳- نمونه‌هایی از خلط معنا و تقسیم‌بندی‌های نامنظم: معنای «فرمان» هم در وجه تأکیدی و هم در وجه امری آمده است و معنای «خواست» در وجوه تأکیدی، امری و التزامی آمده است (۱۲/ ص ۳۸۲ - ۳۸۱). جمله «باید برود» در وجه تأکیدی، امری، التزامی و مصدری آمده است (۱۲/ ص ۳۸۲، ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۹۶).
- ۱۴- یادآور می‌شود مؤلفان مذکور برای وجه امری دو صیغه قابل هستند: دوم شخص مفرد و دوم شخص جمع، مانند برو، بروید.

- ۱۵- دکتر وحیدیان مدعی است که تا پیش از وی هیچ یک از دستورنویسان به تضاد مذکور توجه نداشته‌اند. او طی مقاله‌ای هفت عامل التزام‌ساز را با زمانهای مختلف بررسی می‌کند (۲۱/ ص ۱۰-۲).
- ۱۶- ساختمانهای مختص به یکی از وجوه مانند: وجه مصدری، وجه وصفی، امری، ساختمان مضارع اخباری و... (۱۲/ ص ۳۹۴).
- ۱۷- الف - این پیشوند در برخی از فعل‌ها مثل: دانستن، کردن و فعل‌های پیشوندی و مرکب نمی‌آید و با پیشوند «ب» صیغهٔ دوم شخص جمع امر، مشترک است و تنها وجه تمایز آنها، همراه بودن یا نبودن عوامل التزام‌ساز می‌باشد. برای آگاهی بیشتر رجوع شود به (۱۸/ ص ۹۴).
- ب - در مورد پیشوند «ب» نظرات گوناگونی وجود دارد: بعضی نشانهٔ تأکید و بعضی زینت دانسته‌اند: (۴/ ص ۷۴؛ ۱۳/ ص ۱۲۵؛ ۷/ ص ۱۴۵؛ ۱۰/ ص ۴۷؛ ۸/ ص ۸۵؛ ۲۳/ ص ۴۴۸).
عده‌ای نشانهٔ تأکید و زینت و بر سر فعل مضارع نشانهٔ التزامی دانسته‌اند: (۱۵/ ص ۹۱؛ ۸/ ص ۲۳۵).
عده‌ای نشانهٔ وجه التزامی و تأکیدی دانسته‌اند: (۱۲/ ص ۳۸۴؛ ۲/ ص ۱۷؛ ۲۲/ ص ۶۴؛ ۱۱/ ص ۱۲۲).
ابوالحسن نجفی، نشانهٔ وجه التزامی دانسته است (۱۸/ ص ۹۴ - ۹۳).
خانلری جزء پیشین و نشانهٔ مضارع التزامی دانسته است (۱۷/ ص ۱۴۴).
- ۱۸- بعضی، خواهش و فرمان را هم جزو وجه التزامی آورده‌اند، بهتر است جزو وجه امری آورده شود.

منابع

- ۱- احمدی گیوی، حسن. دستور تاریخی فعل، ۲ جلد، چاپ اول، تهران، نشر قطره، ۱۳۸۰.
- ۲- ارژنگ، غلامرضا. دستور زبان فارسی امروز، چاپ اول، تهران، نشر قطره، ۱۳۷۴.
- ۳- ارژنگ، غلامرضا و علی اشرف صادقی. دستور سال چهارم آموزش متوسطه صوملی، فرهنگ و ادب، ۱۳۶۱.
- ۴- اصفهانی، میرزا حبیب. دبستان پارسی، چاپ اول، استانبول، ۱۳۰۸ هـ. ق.
- ۵- باطنی، محمدرضا. نگاهی تازه به دستور زبان فارسی، چاپ پنجم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۲.
- ۶- خیامپور، عبدالرسول. دستور زبان فارسی، چاپ دهم، تهران، کتابفروشی تهران، ۱۳۷۵.
- ۷- رشید یاسمی و دیگران. دستور زبان پنج استاد، زیر نظر سیروس شمیسا، چاپ اول، تهران، انتشارات فردوس، ۱۳۷۳.
- ۸- شریعت، محمدجواد. دستور زبان فارسی، اصفهان، مشعل، ۱۳۴۱.
- ۹- شقایب، احمد. مبانی علمی دستور زبان فارسی، چاپ اول، تهران، نوین، ۱۳۶۳.

- ۱۰- طالقانی، سید کمال. اصول دستور زبان فارسی، چاپ هفدهم، انتشارات امیرکبیر و مشعل، اصفهان، ۱۳۶۱.
- ۱۱- فرشیدورد، خسرو. دستور امروز، تهران، بنگاه مطبوعاتی صفی‌علی‌شاه، ۱۳۴۸.
- ۱۲- _____، دستور زبان مفصل امروز، چاپ اول، تهران، سخن، ۱۳۸۲.
- ۱۳- قریب، عبدالعظیم‌خان. دستور زبان فارسی دوره سوم، چاپ بیست و نهم، تهران، کتابفروشی علمیه اسلامی، ۵ - ۱۳۳۴.
- ۱۴- مشکوة‌الدینی، مهدی. دستور زبان فارسی بر پایه نظریه گشتاری، مشهد، دانشگاه فردوسی، ۱۳۶۶.
- ۱۵- مشکور، محمدجواد. دستورنامه در صرف و نحو زبان پارسی، چاپ هفدهم، تهران، انتشارات شرق، ۱۳۶۶.
- ۱۶- ناتل خانلری، پرویز. دستور زبان فارسی، چاپ هشتم، تهران، نوین، ۱۳۶۶.
- ۱۷- _____، تاریخ زبان فارسی، ۳ جلد، چاپ سوم، تهران، نشر نو، ۱۳۶۶.
- ۱۸- نجفی، ابوالحسن. مبانی زبان‌شناسی و کاربرد آن در زبان فارسی، چاپ دوم، تهران، نیلوفر، ۱۳۷۱.
- ۱۹- نویهار، مهرانگیز. دستور زبان فارسی، چاپ اول، تهران، رهنما، ۱۳۷۲.
- ۲۰- وحیدیان کامیار، تقی. حرفهای تازه در ادب فارسی، اهواز، جهاد دانشگاهی دانشگاه شهید چمران، ۱۳۷۰.
- ۲۱- _____، «وجه التزامی و زمانهای افعال»، مجله زبان‌شناسی، سال ۱۱، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۷۳.
- ۲۲- وحیدیان کامیار، تقی و غلامرضا عمرانی. دستور زبان فارسی (۱)، چاپ سوم، تهران، سمت، ۱۳۸۱.
- ۲۳- همایون فرخ، عبدالرحیم. دستور زبان جامع فارسی، به کوشش رکن‌الدین همایون فرخ، چاپ سوم، تهران، علمی، ۱۳۶۴.